### جلسه 3

**چهارشنبه - 31/۰۶/۹۵**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه فی الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به حرمت مجسمه سازی بود. روایات در این رابطه را مطرح می‌کردیم.

در رابطه با روایت اول، صحیحه محمد بن مسلم که فرمود لابأْس ما لم یکن شیئا من الحیوان اشکال دلالی کردیم؛ گفتیم مجمل هست مراد از این نهی. نمی‌دانیم متعلقش نگهداری و تزیین منزل است با مجسمه حیوان یا ساختن آن است و در مورد نگهداری مجسمه حیوان نص معتبر داریم که حرام نیست؛ صحیحه علی بن جعفر.

#### تصحیح سند روایت علی بن جعفر با نقل محاسن

ما صحیحه علی بن جعفر را در [جلسه قبل](#روایتـدوم) گفتیم عبدالله بن الحسن در قرب الإسناد نقل می‌کند ولی محاسن برقی هم به سند صحیح این را دارد که مشکلی در آن نیست.

#### عدم ورود اشکال آقای سیستاني بر اعتبار محاسن برقی

و این‌که آقای سیستانی فرمودند این کتاب، کتاب مهجوری بوده است و به دست ما بطور مستفیض نرسیده است این کتاب، کتاب محاسن، به نظر اشکال دارد. چون این کتاب محاسن در مواردی که اضطراب متن باشد، اختلاف نسخه باشد، مشکل پیدا می‌کند اما در مواردی که اختلاف متن و اضطراب متن نیست، انسان وثوق پیدا می‌کند به این‌که این نسخه ای که به دست ما رسیده است نسخه معتبره ای هست. مخصوصا که در قرب الأسناد هم این روایت توسط عبدالله بن الحسن نقل شد. وقتی دلیل معتبر پیدا کردیم بر جواز نگهداری مجسمه دیگر نمی‌توانیم بگوییم صحیحه محمد بن مسلم اگر دلالت بر نهی از نگهداری مجسمه هم بکند بالفحوی می‌گوییم پس ساختن او حرام است. خب نگهداریش نهی دارد اما حمل بر کراهت شد. دیگه این فحوایش و دلالت بالفحوایش حرمت ساختن مجسمه باشد.

#### اشکال به استدلال بر جواز نگهداری تمثال به صحیحه ثانیه محمد بن مسلم

اما [آن روایت](#روایتـدوم) مطلقه ای که صحیحه ثانیه محمد بن مسلم بود که مطلق تماثیل را فرمود نگهداریش جایز است، آن قابل استدلال نیست. نمی‌شود به اطلاق او ما تمسک کنیم بگوییم پس مجسمه حیوان را هم نگهدار بداریم اشکال ندارد. این استدلال به آن تمام نیست. چون صحیحه اولی محمد بن مسلم اگر دلالت بر حرمت ساختن مجسمه کند که خب باید به او اخذ کنیم؛ اگر دلالت بکند بر نهی از نگهداری مجسمه حیوان خب می‌شود اخص مطلق از این صحیحه ثانیه محمد بن مسلم که می‌گوید لابأس باقتناء التماثیل. صحیحه اولی محمد بن مسلم که ما لم یکن شیئا من الحیوان یا دلیل می‌شود بر حرمت ساختن مجسمه یا دلیل می‌شود بر حرمت نگهداری مجسمه ذی روح و می‌شود مخصص این صحیحه ثانیه محمد بن مسلم که تجویز می‌کرد نگهداری تماثیل را. و علی ایّ حال به این صحیحه ثانیه نمی‌توانیم تمسک کنیم. عمده این صحیحه علی بن جعفر است که مشکل ما را حل می‌کند.

#### تمامیت استدلال به روایت اصبغ بن نباته بر حرمت مجسمه سازی

روایت ثانیه، من جدد قبرا او مثل مثالا فقد خرج عن الاسلام بود که دلالتش را ما خلافا للسید الامام بر حرمت مجسمه سازی پذیرفتیم. گفتیم خرج عن الاسلام فکر نکنید یعنی کافر است بعد بگویید پس مقصود بت سازی است. نخیر. خب من جدد قبرا مگر در این حدیث نیست؟ تجدید قبر در کجای تاریخ نوشتند که جاهلیت تجدید می‌کردند قبر را برای معبد سازی و بت سازی؟ برای فخر فروشی بود. خرج عن الاسلام یعنی از روحیه مسلمانی خارج شده. مثل من مات بغیر وصیة مات میتة جاهلیة. آن هم یعنی مات بغیر مسلم دیگه. خب یعنی این کار، کار مسلمان نیست که بدون وصیت بمیرد. نه این‌که حالا واقعا از اسلام خارج شده.

[سؤال: ... جواب:] حالا یا کراهت شدیده از آن استفاده کنیم اما در مانحن‌فیه فقد خرج عن الاسلام دال بر حرمت مجسمه سازی است و ما وجهی ندارد که از این روایت رفع ید کنیم.

فقط اشکال...

[سؤال: ... جواب:] تجدید قبر برای فخر فروشی بود در عصر جاهلیت. الهکم التکاثر حتی زرتم المقابر.

#### دفع اشکال ارسال از روایت، اصبغ بن نباته از معمّرین بود

روایت ما جلسه قبل گفتیم که اشکال سندی دارد از این حیث که محمد بن سنان با یک واسطه از اصبغ بن نباته نقل کرده در حالی که این معهود نیست. محمد بن سنان از اصحاب امام رضا از اصبغ اصحاب امیرالمؤمنین با یک واسطه ابی الجارود نقل کند. این اشکال وارد نیست. اصبغ بن نباته بعد از امیرالمؤمنین زیاد عمر کرد. نجاشی می‌گوید و عمّر بعده. و اصحاب امام باقر و اصحاب صادق از او نقل حدیث کردند. و نقل حدیث ابی الجارود که از اصحاب امام باقر است از ایشان اختصاص به این حدیث ندارد. احادیث دیگر هم دارد. رجوع کنید به معجم آقای خوئی و یا کتب اهل سنت مثل تهذیب الکمال.

#### اشکال از ناحیه ضعف محمد بن سنان

اشکال در سند از ناحیه محمد بن سنان است که نجاشی تضیعفش کرده: ضعیف جدا. شیخ تضیعفش کرده: مطعون علیه ضعیف جدا. مفید در رساله عددیه تضیعفش کرده: لایختلف الإصابة فی تهمته و ضعفه. فضل بن شاذان در بعض کتبش گفته من الکاذبین المشهورین ابن سنان و لیس بعبدالله. عبدالله بن سنان را نمی‌گویم ها!‍‌محمد بن سنان را می‌گویم.

بله، شیخ مفید در ارشاد می‌گوید محمد بن سنان از خاصه امام رضا بود و ثقات امام رضا بود. اهل ورع و فقه از اصحاب امام رضا بود.

خب می‌گوییم جناب شیخ مفید! تو در رساله عددیه شخصیت طرف را نابود کردی، محمد بن سنان مطعون فیه لاتخلف الإصابة فی تهمته و ضعفه. حالا در ارشاد اینقدر بالا می‌بری او را؟ این تعارض را ما چه کنیم؟ و انگهی...

[سؤال: ... جواب:] حالا کدام‌ها اول نوشته کدام‌ها بعد نوشته شده، معلوم نیست. ... تضعیفش را که دیگه توجیه نکردیم. تضعیف کرد. ... این محمد بن سنان زاهری را تضعیف کردند نه محمد بن سنان برادر عبدالله بن سنان را. ... برادر عبدالله بن سنان محمد بن سنآن‌که مشهور نبود. این می‌گوید من الکاذبین المشهورین. حتما این محمد بن سنان را می‌گوید. جای دیگر هم گفته لایستحل ان اروی احادیث محمد بن سنان.

پس محمد بن سنان مشکل دارد.

#### ضعف ابی الجارود

ابی الجارود هم مشکل دارد؛ زیاد من منذر همَدانی یا همْدانی.

آقای خوئی فرموده ولی من ابی الجارود را توثیق می‌کنم. یکی بخاطر شهادت شیخ مفید در رساله عددیه. که گفته من الاعلام الرؤساء الماخوذ عنهم الحلال و الحرام. دوم بخاطر ورودش در تفسیر علی بن ابراهیم قمی که در دیباجه تفسیر علی بن ابراهیم می‌گوید نحن ذاکرون و مخبرون بما ینتهی الینا و رواه مشایخنا و ثقاتنا عن الذین فرض الله طاعتنا.

#### عدم اعتبار توثیق مفید در رساله عددیه

به نظر ما هر دو وجه ناتمام است. اما شهادت شیخ مفید در رساله عددیه: شما را به، به قول آن بزرگوار شما را به حضرت عباس، شیخ می‌آید ابی الجارود رئیس فرقه منحرفه زیدیه جارودیه بر فرض ثقه باشد اما تعبیر از او می‌کند: من الرؤساء الاعلام الماخوذ عنهم الحلال و الحرام و الفتیا و الاحکام الذین لایطعن علیهم و لاطریق الی ذم واحد منهم؟ معقول است؟ حالا می‌گویید اِی!، دروغگو نبود. خب حرفی نیست. اما مرجع عالیقدر جهان اسلام می‌شود ابی الجارود؟ این عبارت شیخ مفید که زمانی بود که کلینی را می‌گفتند ثقة الاسلام، آن وقت راجع به این افراد اینجور تعریف می‌کند. خب این می‌شود شامل ابی الجارود بشود؟ و لذا ما توجیه کردیم. گفتیم مقصود این است که روایات راجع به این‌که ماها گاهی بیست و نه روز است گاهی سی روز، رساله عددیه برای این نوشته شده دیگه، برای این‌که بگوید ماها، مثل ماه رمضان همیشه سی روز نیست گاهی بیست و نه روز است گاهی سی روز. در مقابل روایاتی که می‌گفت ماه رمضان همیشه سی روز است، ماه شعبان هم بیست و نه روز است. ایشان می‌گوید نه. آن روایاتی که می‌گوید شهر رمضان قد ینقص و قد یتم آنها معتبر است و این روایات را بزرگان نقل کردند. یعنی مجموع من حیث المجموع نه تک تک این روایات. و الا نمی‌شود ابی الجارورد را بگوید جزء رؤساء اعلام.

#### عدم اعتبار روایات ابی الجارود در تفسیر قمی

راجع به تفسیر قمی هم اصلا ما فعلا قبول می‌کنیم آقای خوئی! تفسیر قمی معتبر است. این دیباجه اش هم شما می‌گویید که مالِ علی بن ابراهیم قمی است که گفت مخبرون بما ینتهی الینا و رواه ثقاتنا، ما هم می‌گوییم سلمنا؛ مماشاتا می‌گوییم قبول. ولی تفسیر قمی در آن، تفسیر ابی الجارود ادغام شده. اصلا علی بن ابراهیم قمی از ابی الجارود نقل نیم کند. هر جا گفت و فی روایة‌ابی الجارود بعدش گفت رجعٌ الی تفسیر علی بن ابراهیم. آن کسی که این کتاب را جمع آوری کرد، متاسفانه امانت دار خوبی نبود. کتاب تفسیر قمی را با تفسیر ابی الجارود ادغام کرد. منتها حالا یک مقدار خواسته دل بقیه را بدست بیاورد بعدش می‌گوید رجع الی تفسیر علی بن ابراهیم. اصلا علی بن ابراهیم از ابی الجارود کجا نقل کرده؟ یک جا بیاورید! پس این هم تمام نشد. ابی الجارود ضعیف هست. این روایات شدند ضعیف.

#### روایت سوم داله بر حرمت مجسمه سازی: موثقه ابی بصیر

روایت سوم: موثقه ابی بصیر: هم محاسن برقی دارد این را و هم کلینی دارد. در نقل کلینی علی بن ابی حمزه از ابی بصیر نقل می‌کند. اما در محاسن برقی نخیر؛ سند تمام است. عن ابیه عن عثمان بن عیسی عن سماعة عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و‌آله اتانی جبرئیل و قال یا محمد ان ربک یقرئک السلام و ینهی عن تزویق البیوت. قال ابوبصیر قلت ما تزویق البیوت؟ فقال تصاویر التماثیل.

#### اشکال دلالی: نگهداری تماثیل اشکال ندارد

خب این روایت راجع به تزویق البیوت تناسبش با نگهداری مجسمه است. راجع به ساختن مجسمه سخن نمی‌گوید. نگهداری مجسمه را هم که ما صحیحه علی بن جعفر پیدا کردیم، الحمدلله سندش هم خوب شد، دال بر جواز نگهداری مجسمه ذی روح در منزل است. پس این روایت دلالتش ناتمام است.

#### روایت چهارم: صحیحه زراره

روایت چهارم: صحیحه زراره عن ابی جعفر علیه السلام: لابأس بتماثیل الشجر.

#### تقریب استدلال: وصف مفهوم في الجمله دارد

تقریب استدلال این است: گفته می‌شود: وصف مفهوم فی الجمله دارد. اگر گفتند که و ربائکم اللاتی فی حجورکم من نسائکم اللاتی دخلتم بهن، اللاتی دخلتم بهن این مفهوم فی الجمله دارد دیگه. یعنی دختران زنانی که به آن‌ها دخول کردید بر شما محرم هستند. زنانی که به آنها دخول کردید دختران‌شان بر شما محرم هستند. خب این ظهور عرفیش این است که یعنی شرط محرمیت ربیبه این است که به مادرش دخول بکنید. مفهوم دارد دیگه. اکرم عالم العادل مفهوم فی الجمله دارد یعنی اکرام عالم فاسق مطلقا واجب نیست. حالا اگر هاشمی بود، یک وصف آخری داشت ممکن است واجب باشد ولی مطلقا واجب نیست. و الا گفتن عادل لغو بود. اکرم العالم العادل، اگر اکرام عالم واجب باشد چرا گفتی عادل؟ خب اینجا هم می‌گوید اگر بناء بود تماثیل مطلقا اشکال داشته باشد چرا گفت لابأس بتماثیل الشجر. مفهوم این روایت قدرمتیقنش این است که تماثیل موجودات زنده فیه بأسٌ.

خب این قبلا جوابش روشن شد. که شاید مراد نگهدای تمثال موجودات زنده باشد که ما از خارج دلیل پیدا کردیم که نگهداری اینها حرام نیست. و لذا علم اجمالی تشکیل نمی‌شود که یا نگهداری اینها حرام است یا ساختن اینها. نگهداری اینها دلیل پیدا کردیم حرام نیست. پس نمی‌توانیم بگوییم حتما مراد از این روایت ساختن مجسمه ذی روح است و مفهوم این روایت می‌گوید ساختن آن حرام است. شاید نهی می‌کند از نگهداری که ما حمل به کراهت کردیم.

[سؤال: ... جواب:] لابأس را چه کار داریم؟ مفهوم را ما می‌گوییم. لابأس بتماثیل الشجر صنعا اقتنائا. بحث مفهومش است. که اما فی تماثیل الحیوان ففیه بأس او را ما داریم می‌گوییم که اطلاق ندارد.

عمده...

[سؤال: ... جواب:] ما همچون چیزی نداریم. اگر یکی بیاید بگوید مولی گفت اکرم زیدا، من نمی‌دانم مراد زید عالم است که واجب الاکرام است یا زید جاهل است که واجب الاکرام نیست. بگوییم ظهور اکرم در وجوب مشخص می‌کند که مراد از زید، زید عالم است؟ همچون چیزی ما تعبدی نداریم از عقلاء. عقلاء‌می‌گویند این خطاب مجمل بین زید عالم و زید جاهل و اگر مراد زید جاهل است یقینا اکرام او واجب نیست. پس ما نمی‌توانیم بگوییم پس مراد زید عالم است و اکرام او واجب است. این عمل به ظهور نشد. این تحمیل اهداف خودمان شد بر ظهورات بلکه بر مجملات. این هم که خلاف قرآن است که فرمود: و اما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة.

[سؤال: ... جواب:] نه. منطوق مطلق است. لابأس بتماثیل الشجر. بحث مفهوم است. بحث مفهوم است که فی الجمله دارد وصف. بالجمله که نیست. قدر متیقن این است که نهی می‌کند از تماثیل حیوان. نهی از چی می‌کند؟ شاید نهی از نگهداری اینها می‌کند که ما باید حمل کنیم بر کراهت.

#### روایت پنجم وهي العمدة: تکلیف به نفخ

عمده روایت پنجم است که سندهای مختلفی دارد. مفادش این است: من صوّر صورة کلّفه الله یوم القیامة ان ینفخ فیها و لیس بنافخ.

این با متن‌های مختلفی نقل شده. در نواهی النبی که روایت شعیب بن واقد هست از حسین بن زید، مناهی النبی را گفته، این است. این متن بود که خواندیم، من صور صورة کلفه الله یوم القیامة ان ینفخ فیها و لیس بنافخ. روز قیامت که می‌شود این مجسمه را می‌آورند می‌گویند روح بدم در این مجسمه ای که ساختی. این هم که، و لیس بنافخ، این هم که خدا نیست روح بدمد.

بعضی‌ها ممکن است بگویند خب لایکلف الله نفسا الا وسعها. خب یُأمر ان ینفخ فیها و لیس بنافخ. می‌گوید خدایا نمی‌توانم. خدا می‌گوید همین شرمندگیت برای ما بس است برو بهشت!!. این خلاف ظاهر است. خدا مگه می‌خواهد شرمند کند؟ این ظاهرش این است که عذابش می‌کند. عذابش این است که باید روح بدمی در این.

شاهدش روایت بعدی است که روایت خصال هست از محمد بن مروان: ثلاثة یعذبون یوم القیامة. یکی من صور صورة من الحیوان یعذّب حتی ینفخ فیها و لیس بنافخ. یعذّب.

یا روایت عکرمة که باز در خصال است از ابن عباس قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من صور صورة عذّب و کلف ان ینفخ فیها و لیس بفاعل.

یا در روایت سعد بن ظریف در محاسن برقی هست: ان الذین یؤذون الله و رسوله هم المصورون یکلفون یوم القیامة ان ینفخ فیها الروح.

یا باز روایت دیگر محاسن از حسین بن منذِر یا منذَر: ثلاث معذّبون یوم القیامة یکی رجل صور تماثیل یکلف ان ینفخ فیها و لیس بنافخ.

آخرین روایت در این مورد روایت مرسله ابن ابی عمیر است. عن ابی عبدالله علیه السلام من مثّل تمثالا کلّف یوم القیامة ان ینفخ فیه الروح.

ما ندیدیم کسی در دلالت این روایات بر حرمت مجسمه سازی موجودات زنده مناقشه کند. اینی که ما عرض کردیم جنبه شوخیش بیشتر می‌چربد که کسی بگوید خدا می‌خواهد این را شرمنده کند. با برخی از متن‌ها هم که نمی‌ساخت: عذّب.

[سؤال: ... جواب:] حالا ... بله.

#### مرحوم شیخ: دلالت روایت بر حرمت نقاشی

مرحوم شیخ بالاتر گفته. گفته دلالت بر حرمت نقاشی موجودات زنده هم می‌کند.

#### استاد: ظهور روایت در آماده بودن شیئ مجسّم للنفخ

ولی انصافا همچون دلالتی ندارد. چون ظاهر أُمر ان ینفخ فیها و لیس بنافخ این است که همه چیز آماده است. فقط مانده و نفخت فیه من روحی. آن وقت به این شخص می‌گویند إنفخ فیها. تو هم بلدی روح بدمی در این مجسمه که ساختی؟ و لیس بنافخ. عذاب می‌شود. اما اگر نقاشی روی کاغذ کشیده، مرحوم شیخ می‌گوید اول به او می‌گویند که اول این کاغذ را تبدیل می‌کنند به مجسمه، حالا یک بیان این است بعد می‌گویند روح در او بدم. خود شیخ می‌گوید این خلاف ظاهر است که اول کاغذ را بگویند این را تبدیل به مجسمه می‌کنیم بعد می‌گوییم نفخ روح بکن. ظاهرش این است که به همینی که هست می‌گویند انفخ فیها. و این عکس که قابل نفخ نیست عرفا. مرحوم شیخ فرموده من یک توجیه دیگر دارم. توجیهم این است که این‌ها یک جرمی دارد. این نقاشی شما یک جرمی دارد دیگه. حداقل یک متنی دارد دیگه. متنش قالی است. روی آن قالی جوری بافتی که عکس یک پرنده در آمد. خب این جرم دارد. می‌گویند انفخ فیها، به جرمش، جرم دارد دیگه.

واقعا این عرفی نیست. این که دیگه شد فرش را زنده کردن. خب این عکس کبوتر روی این فرش خب این‌که حالت رنگ دارد. جرم ندارد عرفا. فرش را می‌خواهد زنده کند یا این عکس روی فرش؟ عکس روی فرش جرم ندارد که بخواهد زنده اش کند.

[سؤال: ... جواب:] آخه این‌که می‌گویند در این بدم، باید یک دستی داشته باشد، پایی داشته باشد، قلبی داشته باشد. عکس، عکس است دیگه؛ نقاشی است دیگه. ... بله، امام هادی علیه السلام طبق آن نقل شریف در آن جلسه با خلیفه عکس شیر، دو تا شیر هم بود روی پرده فرمود یا اسد الله! خذ عدو الله!. راوی می‌گوید این دو تا عکس به صورت دو تا شیر در آمدند. این افراد که اذیت کردند امام را، بلعیدند و برگشتند دومرتبه نقش روی آن پرده شدند. آن معجزه است، آن کرامت ائمه است. اما ظاهر امر ان ینفخ فیها این نیست. ظاهرش این است که مجسمه ای است که فقط روح ندارد به او می‌گویند روح در او بدم.

و لذا به نظر ما این روایات دلالت بر حرمت نقاشی موجودات زنده نمی‌کند. قبول است.

[سؤال: ... جواب:] مثال هم انصرافش یا لااقل شبهه انصرافش به آن نمونه ای است که سه بعدی است. عکس که نمونه نیست که. آقا! این عکس نمونه شما است. نه. باید یک مجسمه بگذارند بگویند از خودت هیچ... بله؟ ... چی نمی‌زند؟ ... مو نمی‌زند. اما عکس می‌گویند شبیه خودت است. مثال خودت نمی‌گویند؛ نمونه خودت. لااقل شبهه انصراف دارد. و لذا ما نقاشی موجودات زنده را حرام نمی‌دانیم. این روایات هیچکدام شامل نمی‌شود. خلافا للشیخ الاعظم و السید الخوئی.

و لکن انصاف این است: دلالت این روایات که خواندیم، امر ان ینفخ فیها و لیس بنافخ بر حرمت مجسمه سازی تمام است در موجودات زنده.

#### مرحوم استاد تبریزی: سند ضعیف است

می‌ماند سندش. مرحوم استاد در ارشاد الطالب فرمودند خب سند اینها ضعیف است. عمل مشهور هم معلوم نیست مستند به این روایات باشد تا بگویید تصحیح سند می‌کند.

خداییش چند تا روایت است، بخواهیم شمارش کنیم...

[سؤال: ... جواب:] بله، عرض می‌کنم.

#### استاد: تعدد روایات

ببینید حدودا پنج، شش روایت ما خواندیم برای شما. روایت حسین بن زید در مناهی النبی. بعضی‌ها می‌گویند مناهی النبی ظهور در حرمت ندارد. تمام نهی‌های پیغمبر را جمع کرده اعم از نهی کراهتی و نهی تحریمی. ولی این تعبیر مهم است که کلّف ان ینفخ فیها و لیس بنافخ. فقط بحث نهی نیست. پس روایت اول این مورد روایت حسین بن زید. روایت دوم روایت خصال، محمد بن مروان. روایت سوم روایت خصال از عکرمه از ابن عباس. روایت چهارم روایت سعد بن ظریف در محاسن. روایت پنجم روایت محاسن از همین منذر، حسین بن منذر. روایت ششم روایت مرسله ابن ابی عمیر.

اینها را اگر بخواهید، برای تقویت مطلب ضمیمه کنید به آن طائفه ثانیه که چند روایت می‌گفت فقد خرج عن الاسلام، اشد الناس عذابا المصورون که ما دلالتش را تمام دانستیم؛ سندش را اشکال کردیم.

واقعا یک انسان متعارف علم به صدور یک روایت از مجموع این روایات پیدا نمی‌کند؟

[سؤال: ... جواب:] با سندهای مختلف این روایت ذکر شده که اینها رواتش هم در همه طبقاتش با هم فرق می‌کردند. اگر همه می‌گفتند عن رجل ممکن بود بگوییم شاید یک نفر بوده در همه این‌ها. همه سند بر می‌گردد به یک نفر. روات تا امام مختلف بودند.

#### حجیت مراسیل ابن ابی عمیر

بلکه به نظر ما مراسیل ابن ابی عمیر معتبر هست. کما علیه السید الامام و آقای سیستانی و آقای زنجانی. ما این را مفصل بحث کردیم. مراسیل ابن ابی عمیر ما معتبر می‌دانیم. لایروون و لایرسلون الا عن ثقة شیخ طوسی می‌گوید ابن ابی عمیر لایرسل الا عن ثقة. ما علم هم نداریم که مراسیل ابن ابی عمیر مشتمل بر ضعاف هست تا بشود شبهه مصداقیه. این روایت شبهه مصداقیه روایات ضعاف باشد. شاید ابن ابی عمیر هیچ روایت مرسلی را از ضعیف نقل نکرده. مسانیدش چرا، گاهی از ضعاف است. لایروون الا عن ثقة تخصیص خورده. اما لایرسلون الا عن ثقة ما علم به تخصیصش نداریم و حجت است این شهادت شیخ طوسی.

#### المختار: حرمة التجسیم

و لذا به نظر ما اقوی حرمت مجسمه سازی موجودات زنده است.

و این‌که مرحوم استاد در رساله فارسی فرموده بودند مکروه است بخاطر این‌که سند این روایات را قبول نداشتند. فقط سند صحیحه محمد بن مسلم را قبول داشتند، آن هم که فرمودند مجمل است. خود ایشان در منهاج الصالحین که بعدا چاپ شده احتیاط واجب کرد و می‌فرمود ما در ایام جوانی فتوی دادیم به مجسمه سازی ولی الان احتیاط می‌کنیم. جرأت نمی‌کنیم فتوی بدهیم. و انصاف هم همین است. ما نمی‌گوییم فتوی داده بشود ولی احتیاط ان لم یکن اقوی حرمت مجسمه سازی موجودات زنده است.

و این‌که بعض معاصرین مثل جناب آقای هاشمی در منهاج الصالحین جلد 2 صفحه 10 فرمودند الاحوط الاولی حرمت مجسمه سازی، ما به نظرمان نخیر. الاحوط لزوما ان لم یکن اقوی.

#### جواب حمل روایات حرمت تجسیم بر مبارزه با نماد بُت

و این‌که بعض آقایان در دراسات فی المکاسب المحرمة و همینطور در رساله استفتائات تمایل دارند که بگویند مجسمه سازی حلال است بلکه ظاهر رساله استفتائات جلد 2 صفحه 325 همین است که حلال می‌دانند، به این توجیه که آقا! این روایات در زمانی بوده که تقدس قائل بودند مردم برای مجسمه‌ها، اینها نمایانگر و نماد بت می‌دانستند، این به نظر ما اصلا خلاف واقعیت تاریخی است. بابا پیامبر انقلاب به پا کرد. بعد از مدتی دیگه بت‌ها شکسته شدند. دیگه بت پرستی در بین مسلمین از بین رفت. اگر می‌گویید در هند و ژاپن بت پرستی هست الان هم هست. اگر می‌گویید در آن زمان در بین مسلمین تقدس برای بت‌ها قائل بودند، اتفاقا در آن زمان مسلمین از بت‌های چوبی و سنگی رفته بودند، عدول کرده بودند، دیگه برای آن‌ها تقدس قائل نبودند، رفته بودند سراغ جبت و طاغوت‌های بشری، برای آنها تقدس قائل بودند. اصلا اینجور نبود که بگوییم...

[سؤال: ... جواب:] بابا این روایات از امام باقر و امام صادق نقل شده. ... بابا صد سال اما سال‌های طلایی. این مثل این می‌ماند که شما بگویید که بعد از انقلاب مثلا، بعد از سی سال انقلاب برای این‌که تقدس سلطنت و سلاطین در بین مردم شکسته بشود، بابا دیگه آنها تقدس ندارند. آنها دیگه مردم نسبت به آنها تقدس قائل نیستند. یک چیزهای جدیدی به وجود آمده خب آن یک بحث دیگه است. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مجاهدت‌شان اصلا اثری نگذاشتند از تقدس بت‌ها. اصلا در تاریخ مسلمین همچون چیزی نیست که بروند بگردند در خانه‌های مسلمان‌ها مجسمه پیدا کنند بگویند دلم‌مان تنگ می‌شد برای مجسمه بت‌ها گاهی نگاهش می‌کردیم. آخه همین‌جوری ما بیاییم توجیه کنیم.

قابل توجیه به نظر‌مان نیست. ما تعبد به نصوص داریم. ما چه می‌دانیم حکمت احکام چیه. خدا از ساختن مجسمه موجودات زنده طبق این روایاتی که ما وثوق به صدورشان داریم نهی کرده. ما ملتزم می‌شویم. و لو آدم برفی درست کنیم، ما ملتزم می‌شویم الاحوط ان لم یکن اقوی حرام است. این‌هایی که با پلاستیک درست می‌کنند بعد می‌آورند خانه بچه به بابا می‌گوید: بابا در این باد کن که این بشود به شکل یک کبوتر ما به نظرمان این هم اشکال دارد.

بله، یک راه‌هایی هست.

[سؤال: ... جواب:] بله دیگه. امر این ینفخ فیها و لیس بنافخ. روز قیامت می‌گویند در این روح بدم.

#### راه‌های مجسم سازی حلال، ساختن نیمه کاره

یک راه دارد برای مجسمه سازی. حالا یک تفاصیلی دارد که در جلسه بعد عرض خواهم کرد. مجسمه ناقص ساختن یک راه حل است که نیمه سرش را مثل این‌هایی که در مغازه‌ها یک بخش از سر را ندارد. که حالا آقای خوئی می‌گوید اشکال ندارد، آقای سیستانی احتیاط می‌کند، ما بررسی می‌کنیم این را.

#### استخدام اطفال ویا کفّار بنا بر عدم تکلیف به فروع

یک راه حل هم این است که یک کارخانه ای بزنند کودکان غیر بالغ یا مجانین در آنجا استخدام بشوند یا کفار برای این‌که مکلف به فروغ نیستند. خب بگویند آقا! ما به شما حقوق می‌دهیم. اینها که بلدند فیلم بسازند ببرند خارج از زن‌های بی حجاب، بگویند اینها کافرند دیگه. چون کافرند. که به نظر ما کار درستی نیست اینها. ولی حالا بیایند بگویند کافرها برای این‌که مکلف به فروع نیستند، یا بچه‌ها، اینها بیایند. خب مثل این‌که به بچه بگویی این غذا را بخور. غذا نجس است. این اشکال ندارد که. دلیل ندارد. چون ملکف نیست بچه. اگر بچه را رو به قبله بنشانیم برای دستشویی حرام نیست که. حتی غذای عین نجس، میته را بدهی بچه بخورد، ضرر برایش نداشته باشد دلیل بر حرمت نداریم. تسبیب به حرام، حرام است. بچه که مکلف نیست.

[سؤال: ... جواب:] مشارکتی را نه این‌که نصف مجسمه را شما بسازی نصف کس دیگر بسازد. اطلاق دلیل حرمت می‌گیرد این را. می‌شود شرکت تعاونی بر حرام. نه. بچه‌ها این کار را بکنند.

#### مخالفت این امور با روح احکام

اما به نظر ما این کارها هم خلاف روح این احکام هست و لو از جهت شکلی نشود به آن ایراد گرفت.

فالاحوط ان لم یکن اقوی حرمة صنع المجسمة لذوات الارواح.

بقیه مطالب ان شاء الله جلسه بعد.